



همسر گزینی

از : دکتر مهدی کی‌نیا - استاد دانشگاه

است اجتماعی ، در جامعه به وجود آمده و در جامعه میتواند زندگی کند. نیاز طبیعی و شوق همدمی و ذوق همدمی و گریز از انزوا و میل به بقا و ابدیت بخشیدن به هستی خود و احساس سازندگی و خلاقیت ، به همسرگزینی و تشکیل خانواده و داشتن فرزند و آموزش و پرورش آنان منجر میشود. میل به بقا نتیجه غریزه حب ذات است که ضامن حیانت نفس گردیده، یکی از ثمرات ازدواج که تولید مثل است پاسخگوی این اندیشه و خواسته انسانی در حیات جاوید و بقا و ابدیت است و به نحوی دلنشین آنرا تأمین میکند زیرا هر فرزندی مسلماً نماینده انتقال خصوصیات بیولوژیک والدین خود میباشد و بنابراین حیات او ادامه

همسرگزینی یا ازدواج ، پیمان اتحاد مقدس و ملکوتی مرد و زن برای شرکت در زندگانی و تعاون و معاضدت به یکدیگر است که طبق فراسین الهی و قوانین عادی تجویز گردیده ، ثمره آن آرامش و آسایش و بهره‌برداری صحیح و مطبوع از زندگی و تضمین بقای نوع و ایثار و محبت است.

ازدواج بر اساس فطرت است زیرا غرائز اساسی چون تولید مثل و جامعه‌پذیری و حتی غریزه حب ذات ، بنیاد اصلی آنرا تشکیل میدهند. غریزه نخست، نیازی به توضیح و تبیین ندارد اما درباره دو غریزه دیگر ، جامعه‌شناسان و گروهی از روانشناسان را اعتقاد بر این است که اصولاً انسان موجودی

خود را در فرزندان خویش جلوه‌گر می‌بیند .
بر اساس جریان طبیعی آفرینش باور خواهد
داشت که فرزندان او نیز به نوبه خود درحفظ
سلسله او ... واهندکوشید و بدین ترتیب تا
جهان هستی باقی است آثار حیاتی او نیز باقی
خواهد ماند.

لذت زندگی را اگر در محبت و صداقت
و خنثیت و ایثار و اخلاص و سازندگی و پیروزی
معنوی خلاصه کنیم ، اینهمه در ازدواج و
اندیشه پاک تشکیل کانون مقدس خانوادگی
جمع میشود.

زندگی صحیح اجتماعی را در کانون
محبت خانواده میتوان آموخت. آنکس که
بیتواند مسئولیت خانوادگی را تقبل نماید و
تکالیف آنرا با شور و شعف بپذیرا شود خواهد
توانست از عهدهٔ مسئولیت گسترده ترو سنگین تر
اجتماعی برآید و از آنجا برای شرکت در
همکاری و همگامی با اجتماع بزرگ ملی و
جهانی آماده شود.

گروهی از بزرگان دین ، ازدواج را
عبادت میدانند و در میان فرق اسلامی ،
دسته‌ای آنرا مستحب مؤکد شمرده‌اند و
دسته‌ای دیگر آنرا واجب خوانده‌اند.

اما نظر و استنباط من این است که ازدواج
مانند هر عبادت دیگر از حقوق مسلم و فطری
هر مرد و زن است که برای تأمین سعادت
فردی و اجتماعی و آرایش روانی و تزکیه نفس
و اعتلای به کمال و مقام والای انسانی تجویز
و تشریح شده است و آنکس که از حقوق فطری
خود می‌گریزد انسانی نامتعادل و نامتعالی
است و از خویشتن می‌گریزد اگر در منجلاط
انحرافات غوطه‌ور نشود و تن به گناه آلوده
نسازد تازه حلاوت زندگی و شوق عبودیت و
طمع خلاصیت را نمی‌چشد ، موجودی است
مردود و مشوش و ناقص و در سیر استکمالی
وامانده .



همسرگزینی از دیدگاه جرم‌شناسی - استاد
امتفانی (۱) و همکاران آن دانشمندگراسی ،
محیط خانواده شخصی (۲) را دو برابر محیط
خانواده اصلی (۳) نهاده و در تعریف آن
نوشته‌اند : به عکس خانواده اصلی که
نفوذش بر فرد تحمیل بوده است خانواده
شخصی کانونی است که مرد یا انتخاب‌همسر ،
به اراده خویش بنیان میگذارد .

کانون خانواده شخصی ممکن است
یکی از دو نقش آسایا متضاد را برعهده‌گیرد
و در نتیجه دو اثر در دو جهت مخالف بگذراند
از آن بروز کند به این معنی که همسرگزینی
و تشکیل کانون خانوادگی ممکن است موجب
جمعیت فکر و سم‌هنگی با اجتماع و دوری از
فساد باشد به معن دیگر ، ازدواج سرد را از
تنهایی ، معاشرت با افراد ناباب ، انحراف
جنسی ، فحشاء ، سیخانه ، قمارباز دارد ، از
سوی دیگر آشنا نبودن به علف مقدس و
فلسفه عالی ازدواج و آماده نبودن برای زندگی
آشنا شدن و داشتن اغراض خاصی در انتخاب
همسر ، به‌عز آنچه بدانها اشارت رفت ،
شماره زندگی و عدم دقت در انتخاب همسر و
وجود اختلاف سلیقه میان زن و شوهر و
ناسازگاری و عدم توافق روانی بین آن دو
ممکنست سبب لغزش و انحراف به سوی
بزهکاری باشد .

اغلب جانیان خطرناک و معتاد از
کسانی هستند که خانواده‌ای تشکیل نداده
و مجرد زندگی میکنند . اگر افراد متأهل دست
به ارتکاب جرم زده‌اند باید منشأ آنها در
آبادگی جنائی و مشکلات روانی و فقدان تربیت
صحیح آن افراد و عدم توافق فکری و روحی
زن و شوهر و تجمل‌پرستی‌های بیجا و توفعات
نازوای همسران هوسباز کومه خرد ، جستجو
کرد .

بنابراین به طور کلی تأهل از عوامل

بازدارندهٔ جنائی است و در کاهش جرم بالا اقل در جلوگیری از بروز جرائم بزرگ مؤثر است و بزهکاران به عادت بیشتر در میان افراد مجرد دیده میشوند تا متأهل.

تشکیل خانواده بالضروره یک عامل ثبات و سازش اجتماعی است. زنان نیکوسیرت و پارسا کانون خانوادگی را با حسن تدبیر و سلوک به کانون آسایش و سعادت و بهشت موعود برای همسر و فرزندان خود تبدیل مینمایند و موجب میشوند که مردان بر مشکلات فردی و زندگی اجتماعی خود، بهتر فائق گردند و از این نظر یک شریک زندگی و یک مشاور صدیق میشوند و در بروز ناراحتی‌ها یک همدرد برای شوهر خود میگردند و سرهمی بردل ریش او می‌نهند و او را سبکبار و شاداب میسازند. چه بسیار مردانیکه با دیدن چهرهٔ عذوق‌آمیز زن و لبخند ملکوتی فرزند خود ناراحتی محیط‌کار را به دست فراموشی میسپارند و در همان دیدار اول سیمای همدم زندگی، هر غمی را از دل به در می‌کنند.

سزار لمبروزو (۴) در جلد سوم کتاب «مرد جنایتکار» که تحت عنوان «جنایت: علل و درمانهای آن» به زبان فرانسوی ترجمه شده خاطر نشان کرده است: «حد اکثر جرائم ارتكابی مربوط به عزیمت است.» هم او اضافه کرد که پس از کسر تعداد عزیمت‌های نابالغ، از هر هزار نفر سکنه هر طبقه، آمار ذیل به دست آمده است.

در ایتالیا بین سالهای ۹۴ - ۱۸۹۰ عزیمت‌های بزرگ سال محکوم ۴۸/۹ .
در همان کشور و در بین همان سالها ، مردان متأهل و زنان شوهردار محکوم ۲۹/۷
در همان کشور و در بین همان سالها ، مردان زن‌سرد و زنان شوهر مرده محکوم ۱۴/۳
در اتریش ، جمعیت جنائی عزیمت بر

جمعیت درستکار فزونی دارد و نسبت بین آن‌دو از ۵۰ به ۴۰ تجاوز میکند و جمعیت جنائی متأهل از جمعیت درستکار متأهل کمتر است و این نسبت از ۴۰ به ۵۲ پائین‌تر است . نسبت مردان زن‌سرد محکوم به مردان زن‌سرد درستکار مثل نسبت اعداد ۴ به ۹ است. آقای پیناتل (۵) که آمار فوقرا در اثر ارزندهٔ خود نقل کرده است اضافه میکند : اگر مسأله را عمیق‌تر بشکافیم تأثیر ازدواج و عزیمت بر حسب جنس بزهکاران در وضع رفتار آنان متفاوتست :

الف - وضع رفتار مردان بزهکار -
پهین زیننگ (۶) در آلمان دست به یک بررسی از نظر جامعه‌سنجی زد و آمار سالهای ۱۸۸۲ تا ۱۸۹۲ را مورد مذاقه قرار داد در میان هر صد هزار نفر جمعیت ، گروههای سنی و جنسی را از یکدیگر تفکیک و سپس نسبت تعداد کسانیکه به ارتكاب جنایت یا جنحه محکوم شده‌اند از آن استخراج نمود . دربارهٔ مردان ، وی نتایج زیرین را به دست آورد :

سن	عزیمت	متأهل
۱۸-۲۱	۲۲۹	۶۴۱
۲۱-۲۵	۳۱۱	۳۵۷
۲۵-۳۰	۲۹۵	۲۵۱
۳۰-۴۰	۲۸۸	۱۹۶
۴۰-۵۰	۲۲۱	۱۴۸
۵۰-۶۰	۱۴۲	۱۰۱
پیش از ۶۰ سال	۵۰	۴۹

از این جدول چنین نتیجه میشود :
تا ۲۵ سالگی رقم متأهلان بیش از عزیمت (۹۹۸ نفر در برابر ۶۱۰ نفر) و این نشان میدهد که ازدواج زودرس با کثرت رفتار ضد اجتماعی مربوط است . از ۲۵ تا ۶۰ سالگی رقم عزیمت بالاتر از متأهلان است (۹۴۶ نفر عزیمت بزهکار در برابر ۶۹۶ نفر متأهل محکوم) اتین‌گن (۷) تأثیر ازدواج را در تهذیب اخلاق بر اساس این آمار خاطر نشان ساخته

از آغاز شصت سالگی ، رقم مردان متأهل با رقم عزبها تقریباً برابر است (۴۹ نفر متأهل ۹۰ ساله به بالا در برابر ۵۰ نفر عزب در همان ستین) .

در هلند فن بملن (۸) ثابت کرده است که در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۰ مقایسه جمعیت کیفری و جمعیت کلی به شرح زیر بوده است :

مردان محکومان	جمعیت کل
عزب ۵۶/۲ درصد	۴۶/۶۷ درصد
متأهل ۳۹/۸ درصد	۴۹/۰۹ درصد

در فرانسه دوشیزه بوآسون (۹) در بررسیهای خود روی ۲۴۰ نفر محکوم به اعمال شاقه که پیشینه محکومیت کیفری نداشتند به این نتیجه رسید که ۱۲۱ نفر از آن میان یعنی ۵۰/۴ درصد عزب هستند و میتوان ۳ درصد دیگر یعنی عدهای که رسماً ازدواج نکرده و رویه اتحاد آزاد را پذیرفته اند به جمع عزبها افزود. در هر جرمی تعداد عزبها بیش از متأهلان است به استثنای جرائمی که مربوط به درامهای خانوادگی و اسرار اخلاقی است.

ب - وضع رفتار زنان بزهکار - در هلند ، فن بملن به وسیله ارقام ذیل نشان داده است که زنان شوهردار در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۰ در میان جمعیت های زندانی نسبت به جمعیت کل بسیار تأسف آور و رقت انگیز و به شرح این جدول بوده است :

زنان محکومان	جمعیت کل
عزب ۲۸/۳۳ درصد	۴۴/۶۳ درصد
شوهردار ۶۴/۸۶ درصد	۴۷/۹۶ درصد

در آلمان آماري که پیرین زینگک تهیه کرده است چنین نشان میدهد :

۶۰	۴۲	۱۸-۲۱
۴۷	۴۲	۲۱-۲۵
۴۵	۴۲	۲۵-۳۰
۵۰	۴۵	۳۰-۴۰
۴۷	۳۴	۴۰-۵۰
۳۰	۲۲	۵۰-۶۰
۱۳	۱۰	بیش از ۶۰ سال

اما اکستر (۱۰) به این تحقیق کلی اکتفا نکرد. از نقطه نظر کیفی به بررسی کریل Krille مراجعه نمود بر طبق تحقیق این پژوهشگر، زنان عزب مرتکب شدیدترین اعمال جنائی میشوند (آدسکشی ، سقط جنین ، زناي با محارم و غیره) این آمار از ارزش ازدواج برای زنان به خوبی دفاع میکند و حال آنکه با بررسی سطحی آمارهای پیشین ، صحت این ادعا مورد تردید بوده است. به علاوه باید به خاطر داشت که فواحش در این آمارها منظور نشده اند زیرا اگر به غیر از این میبود زنان عزب نیز در رأس زنان بزهکار قرار میگرفتند. اما صرف نظر از زنان عزب ، به هیچوجه جای تعجب نیست که آسیب پذیری زن شوهردار نیز ثابت شود و این علم هم در میان بزهکاران توده قابل ملاحظه ای را تشکیل دهند زیرا زن نه فقط از شخص خود دفاع میکند بلکه هنگامیکه فرزندان یا شوهرش مورد حمله قرار گیرند به شدت برانگیخته میشود. (۱۱)

ساترلند (۲) مینویسد : وضع کلان سالان متأهل به نظر میرسد که انعکاسی فوق العاده با اهمیت در رفتار آنان داشته باشد و از میزان تبهکاری بکاهد. درصد زندانیان در زندانهای دولت یا زندانهای تأدیبی ۱۰۰۰۰۰ نفری از لحاظ ازدواج و وضع خانوادگی به این شرح میباشد : درصد اشخاص متأهل زندانی خیلی پائین است پس از آن نوبت زن مرده

لطفاً بقیه را در صفحه ۱۰ مطالعه فرمائید

کانون خانواده و بز هکاری

به طور محسوس خیلی پائین است.
 کلونک ها (۱۳) ثابت کرده اند که مردان متأهل نسبت به سایر مردم، به ندرت خلف وعده میکنند
 گیلین (۱۴) یک بررسی تطبیقی روی صدوهفتاد و دو بازداشتی و برادران ناکرده بزه آنها به عمل آورد و ثابت کرد که بازداشتی ها بیشتر اوقات با خصوصیات اساسی زیر از برادران خود متمایز میشوند: عزوبت با طلاق، نقصان هم آهنگی در روابط زناشویی، اختلاف ملیت یا مذهب یا تربیت یا ثروت بین زن و شوهر.
 با اینهمه ساترلند نتیجه میگیرد که آمارها اجازه نمیدهد که بتوان گفت که وضع ازدواج در مواردی تا حدی میتواند در رفتار بز هکارانه اشخاص مؤثر افتد ولی رفتار جنایتکارانه تابع متغیرهای دیگری است.

است سپس عزبها و بالاخره مردانیکه همسر خود را طلاق داده اند در هر گروه سنی که قرار گرفته باشند دارای بالاترین درصد تعداد زندانیان میباشند. زنان مطلقه زندانی نیز چنین وضعی دارند. مردان زن طلاق داده که در سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی هستند درصد زندانی آنان تقریباً ۶ برابر عزبها یا مردان متأهل زندانی همسن خود میباشند در صورتیکه درصد تعداد زنان مطلقه در سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی تقریباً ده برابر زنان همسن خود اعم از مجرد یا شوهر دار میباشد. درصد مردان زندانی متأهل از درصد مردان عزب، در هر گروه سنی به استثنای از ۱۵ ساله تا ۱۹ ساله پائین تر است. فقط درصد مردان زندانی از ۲۰ تا ۲۴ ساله به طور خفیف پائین است ولی برای مردانیکه بیش از ۲۴ سال دارند این درصد

- (1) - G. STEFANI, G. LEVASSEUR et R. JAMBU-MERLIN, criminologie et science pénitentiaire, 2ème édition, Dalloz, 1970, p. 103.
- (2) - Le Foyer personnel.
- (3) - La Famille d'origine
- (4) - C. LOMBORSO, Le crime: causes et remèdes, Paris, 1899. p. 229.
- (5) - J. PINATEL, Traité de droit pénal et de criminologie, 2ème édition, Paris, 1970. P. 287.
- (6) - PRINZING ou PRINZINZ.
- (7) - OETTINGEN
- (8) - M. van BEMMELEN, Socio-criminogénèse. rapport général au IIème Congrès international de criminologie, Actes, tome vi. p. 161 y 180 .
- (9) - S. BOISSON, Etude psycho-criminologique de 240 détenus criminels, Strasbourg, 1951.
- (10) - F. EXNER, Biologia Criminal, p. 396.
- (11) - J. PINATEL, ouv. cit. p. 280.
- (12) - Edwin H. SUTHERLAND, Principes de criminologie, Paris, 1966. p. 200.
- (13) - Sheldon et Eleanor T. GLUECK, Five Hundred Criminal Careers, New York, 1930, p. 269.
- (14) - John L. GILLIN, Backgrounds of Prisoners in Wisconsin State Prison and of Their Brothers, American Sociological Review, 2:204-212, A 193.